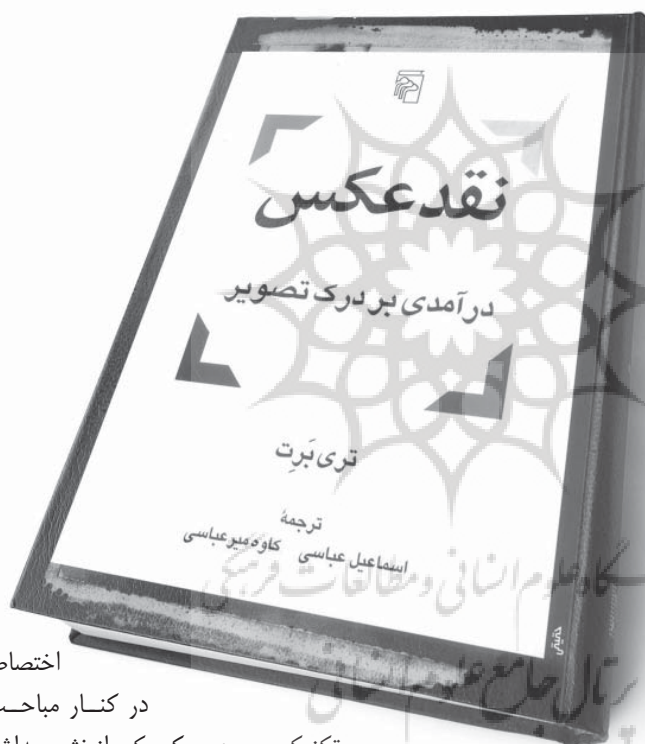


مرجعی معتبر در نقد عکس

حسین جلودار



نقد عکس

تری برت

ترجمه‌ی اسماعیل عباسی،

کاوه میرعباسی

نشر مرکز

اختصاصی عکاسی ایران در کنار مباحث گسترده‌ی فنی و تکنیکی حجم کوچکی از نشریه‌اش را به مقوله‌ی نقد عکس اختصاص داده است. گرچه تاکنون بخش نقد خوانندگان بیش از همه از سوی عکاسان جوان آماتور و بی‌نام و نشان مورد استقبال گرفته است و کمتر نوشته‌ای از جانب با تجربه‌ترها به این بخش ارسال شده است.

کتاب نقد عکس اثر تری بارت پس از چاپ آن توسط «اسماعیل عباسی» در شماره‌هایی از مجله‌ی عکس در سال ۱۳۷۶ و ارائه‌ی کار از سوی کاوه میرعباسی سرانجام در سال ۱۳۷۹ در قالب یک کتاب توسط نشر مرکز به چاپ می‌رسد.

نویسنده‌ی کتاب «تری بارت» از استادان برجسته دانشگاه‌های امریکا و از نظریه‌پردازان مشهور^۱ در حوزه‌ی نقادی است. وی کتاب خود را به فاصله‌های کوتاه پس از ویرایش جدید در سال ۱۹۹۶

پرداختن به موضوع نقد عکس و نقادی و در نگاهی کلان‌تر نظریه‌پردازی در عکاسی و آشنایی با جریان‌ها و دیدگاه‌های رایج در هنر و نیز عکاسی از جمله مقوله‌هایی است که در بین عکاسان ایران و هم‌چنین مراکز آموزش عالی و محافل عکاسی کشورمان رونق چندانی ندارد، چنان‌که در آخرین دو سالانه عکس ایران (تهران) سردرگمی آشکار مجریان، موافقان و منتقدان در خصوص آنچه روی داده بود و ناتوانی آنان در دفاع علمی و مستدل از دیدگاه‌هایشان و پرداختن به حواشی و در نتیجه عقیم ماندن تلاشی که صورت گرفته بود همه و همه گواهی بر ضعف مفرط نظری و علمی جامعه‌ی عکاسی ایران است.

اسماعیل عباسی که خود از طرفداران رواج آموزش و تعمیق مبانی نظری و علمی نقد در حوزه‌ی عکس ایران می‌باشد، در حال حاضر در مقام سردبیر ماهنامه‌ی «دوربین عکاسی» دومین ماهنامه



تجدید چاپ می‌کند، و ترجمه‌ی حاضر از روی همین ویرایش اخیر انجام گرفته است.^۲ نویسنده مطالب را در هشت فصل تنظیم کرده است: درباره‌ی نقد هنر، توصیف عکس، تفسیر عکس، انواع عکس، عکس و زمینه‌ها، ارزیابی عکس و آیا عکاسی هنر است؟ و سرانجام نوشتن و سخن گفتن درباره‌ی عکس.

در فصل نخست، بارت تلاش می‌نماید تا به تعریف واژه‌ی نقد بپردازد. اگرچه وی اذعان می‌کند که یافتن و رسیدن به چنین تعریفی دشوار و چالش برانگیز است. «انتقاد، واژه‌ای بسیار پیچیده است و معانی متعدد و گوناگونی دارد. در زبان زیبایی‌شناسان که درباره‌ی هنر و هنرمند صاحب‌نظرند و در زبان منتقدان هنر، انتقاد به‌اموری دامنه‌دارتر از داوری صرف دلالت دارد».

چنان‌که بارت به نتیجه‌گیری «موریس وایس» زیبایی‌شناس اشاره می‌کند که وی پس از مطالعه‌ی کلیه نقدهای پیرامون نمایشنامه‌ی هملت متوجه می‌شود؛ منتقدان وقتی نقد می‌نویسند یک یا چند مورد از موارد چندگانه زیر را مدنظر قرار می‌دهند؛ آنها اثر هنری را توصیف، تفسیر و ارزیابی می‌کنند و درباره‌ی آن نظریه‌پردازی می‌کنند. بارت ارزش نقد را در افزایش دانش خواننده و مخاطب می‌داند. چه اگر موافق یا مخالف دیدگاه منتقد باشیم در هر صورت به تقویت قدرت استدلال خواننده منجر می‌شود.

در فصل دوم نویسنده به تبیین واژه‌ی توصیف می‌پردازد. «توصیف یک عکس یا یک نمایشگاه یعنی توجه به هر آنچه به آن مربوط می‌شود و بازگو کردن آنها به دیگران، چه به صورت سخنرانی و چه در قالب نوشته. توصیف، فرآیند گردآوری داده‌ها و فهرست کردن حقایق است. توصیف، یعنی پاسخگویی به پرسش‌هایی نظیر؛ اینجا چیست؟ من چه چیزی را می‌بینم؟ و من واقعاً در این تصویر چه می‌دانم؟!»

در ادامه‌ی این فصل توصیف نمایشگاه «در غرب امریکا»ی ریچارد آودون به عنوان نمونه آورده شده است.

فصل سوم کتاب به تعریف و تشریح تفسیر عکس اختصاص یافته است. «شعر و نقاشی چیزهایی هستند که به طور سنتی تفسیر می‌شوند. اما عکس‌ها هم نیاز به تفسیر دارند. تفسیر موقعی ضرورت می‌یابد که توجه و بحث از ارائه‌ی اطلاعات درباره‌ی مفاهیم فراتر می‌رود. هانس گئورگ گادامر، فیلسوف اروپایی می‌گوید: «تفسیر کردن به منزله‌ی آن است که به نشانه‌هایی که خود از سخن گفتن عاجزند کلام بیخشی» هم چنین بارت معتقد است. در کار نقد تفسیر عکس یعنی گفتن چه شفاهی و چه کتبی این نکته به دیگران که فرد از عکس چه می‌فهمد. به ویژه این که درباره‌ی عکس چه فکر می‌کند و نیز بیان نشانه‌شناسانه از یک عکس. البته وی به «دلالت صریح» و «دلالت ضمنی» نیز باور دارد.

تری بارت در این فصل به انواع تفسیر عکس از جمله: تفسیر تطبیقی، تفسیر نمونه‌ای، تفسیر روانکاوانه، تفسیر فرمالیستی و تفسیر نشانه‌شناسانه اشاره می‌کند.

فصل چهارم کتاب با عنوان «انواع عکس» با این جمله آغاز می‌گردد: «از همان سال‌های نخستین عکاسی، مردم عکس‌ها را دسته‌بندی می‌کردند. عکاسی، در سال ۱۸۳۹ اختراع شد. هنگامی که اعلام شد عکاسی، هم علم است و هم هنر قدیمی‌ترین و پایدارترین دسته‌بندی در عکاسی پدیدار شد.» در سال ۱۹۶۴ بومونت نیوهایل

تری بارت زمینه‌ی
درونی، زمینه اصلی و
زمینه‌ی بیرونی را از
جمله چیزهایی می‌داند
که در توصیف، تفسیر
و ارزیابی اثر به شدت
مؤثر هستند

در کتاب خود تاریخ عکاسی، عکس‌ها را از نظر سبک به چهار گرایش تقسیم می‌کند: عکاسی مستقیم، عکاسی فرم‌گرا، عکاسی مستند و عکاسی همسنگ. در ۱۹۷۸ سارکوفسکی برای تفکیک عکس‌هایی که از سال ۱۹۶۰ به بعد گرفته شده بودند، عکس را به دو قطب تقسیم نمود: «آینه‌ها و پنجره‌ها» و آینه‌ها را ادامه‌ی سنت رمانتیک و پنجره‌ها را تداوم سنت رئالیست (واقع‌گرا) در ادبیات و هنر به شمار آورد. اما تری بارت دسته‌بندی جدیدی را عرضه می‌نماید: عکس‌های توصیفی، توضیحی، تفسیری، ارزیابی اخلاقی، ارزیابی زیبایی‌شناختی و نظری.

نویسنده گنجانیدن عکس‌ها را در هر یک از دسته‌بندی‌ها وظیفه‌ی مخاطب و بیننده می‌داند.

فصل پنجم کتاب به موضوع «عکس‌ها و زمینه‌ها» ارتباط پیدا می‌کند. تری بارت زمینه‌ی درونی، زمینه اصلی و زمینه‌ی بیرونی را از جمله چیزهایی می‌داند که در توصیف، تفسیر و ارزیابی اثر به شدت مؤثر هستند. وی زمینه‌ی درونی عکس را مترادف توصیف می‌خواند. یعنی آن چیزهایی که عکس دقیقاً درباره‌ی آنها توضیح

می‌دهد. اما زمینه‌ی اصلی اثر آن هنگام کارآمدتر خواهد بود که بیننده به شرایط روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، که عکاس به عکاسی پرداخته است، آشنایی کافی داشته باشد. وی برای توضیح افزون‌تر مقصود خود از عکس‌های کسانی همچون شری لوابین، ادوارد وستون و نیک اوت مثال‌هایی می‌آورد. بارت زمینه‌ی بیرونی را موقعیتی می‌داند که عکس در آن ارائه شده است یا یافت می‌شود، مانند: کتاب، گالری، موزه، روزنامه، مجله، تابلوی اعلانات و کلاس درس.

وی در ادامه برای درک بهتر خواننده از مقوله

زمینه‌ی عکس، به شرح و تفسیر عکس «بدون عنوان»

«پاییدن» باربارا کروگر می‌پردازد. در پایان فصل نتیجه می‌گیرد: «بررسی زمینه‌های بیرونی و اصلی مستلزم آن است که نظرم‌ان به وراى آنچه در عکس نشان داده شده است معطوف شود. این زمینه‌ها هم‌چنین تأکیدی هستند بر این اصل که تفسیر تلاشی است، هم فردی و هم مشترک» و «منتقد اغلب نخستین کسی است که مفهوم عکس را مشخص می‌کند. اما در درازمدت تفسیر حاصل تلاش





بارت برای درک بهتر
خواننده از مقوله زمینه‌ی
عکس، نتیجه می‌گیرد
«بررسی زمینه‌های بیرونی و
اصلی مستلزم آن است که
نظرمان به ورای آنچه در
عکس نشان داده شده است
معطوف شود»



فصل هفتم کتاب به مقوله‌ای

می‌پردازد که از قدیم‌الایام محل

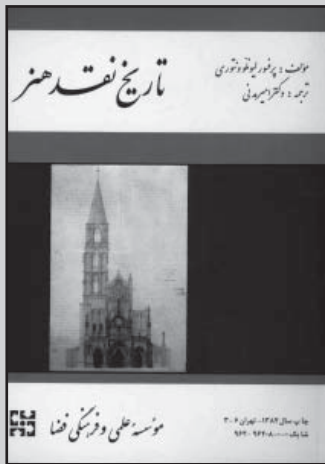
بحث و جدل عکاسان و منتقدان و نیز نظریه‌پردازان بوده است؛ «آیا
عکاسی هنر است؟»

کار آنچه‌ان گره خورده است که نویسنده به نقل از «ریچارد
وودوارد» آورده: «دیگر معلوم نیست که عکاسی را چگونه باید
ارزیابی کرد یا با آن برخورد کرد. یا در کجای موزه‌ها باید آن را
به نمایش گذاشت؟ حتی معلوم نیست چه چیزی عکس است و چه
چیزی عکس نیست.» و یا آنجا که بارت به مرور دیدگاه‌های نظری
می‌پردازد. می‌گوید: «امروزه دیدگاه‌های نظری درباره‌ی عکاسی
درمقایسه با آنچه در گذشته بوده به مراتب بیشتر شده است. این
نظرات چند وجهی، بغرنج و مملو از اصطلاحات تخصصی هستند و
اغلب درکشان دشوار است.» جاکوب ریس و لویس هاین با هدف
اصلاحات اجتماعی عکاسی می‌کردند و به واقع‌گرایی در عکاسی
باور داشتند. «پل استرند» به زیبایی‌شناسی «مستقیم و صریح»
تأکید داشت در ادامه نویسنده‌ی کتاب اشاره می‌نماید: «سوزان
سونتاک» با بدینی نسبت به «عکس» (تصویر) آن را از ملزومات
جامعه‌ی سرمایه‌داری و ابزار آن می‌داند. رولان بارت با رویکردی
پدیدارشناسانه در کتاب «اتاق روشن» از تجربه‌ی شخصی خود به
هنگام نگرستن به عکس‌ها سخن می‌گوید. «کندال والتن» شفافیت
را خصوصیت منحصر بفرد و متمایز کننده‌ی رسانه‌ی عکاسی می‌داند.
وی معتقد است: «عکاسی امکان دیدن چیزهایی را به ما می‌دهد که
در حضورمان نیستند.»

مشترکی است که اندیشه‌های
افراد مختلفی را متجلی می‌سازد
که از دیدگاه‌های متفاوت به
تصویر نگریسته‌اند.»

«ارزیابی عکس» موضوع
مورد بحث فصل ششم کتاب
است. از نظر بارت عبارت ارزیابی
و قضاوت مترادف یکدیگرند.
نویسنده با استفاده از نظرات
کسانی همچون سارکوفسکی
به تعیین و شمارش برخی
معیارهای قضاوت عکس
می‌پردازد. معیارهای واقع‌گرایی،
اکسپرسیونیسم، فرمالیسم،
ابزارگرایی و نیز معیارهایی خاص
نظیر بداعت، مهارت صنعتگرانه و
کمپوزیسیون خوب را به بررسی می‌نشیند.

در انتهای این فصل نویسنده ضمن نتیجه‌گیری، اشاره می‌نماید:
که «قضاوت مستلزم تفسیر است و تفسیر مستلزم توصیف» و
دیگر آنکه؛ «موضوعات نظری با موضوعات قضاوت نقادانه تداخل
می‌یابند. زیرا معیارهای قضاوت هنری با نظریه‌های هنری، یا
چیستی هنر آنچه‌ان که فکر می‌کنیم هست یا باید باشد، پیوندی
تنگاتنگ دارد.»



تاریخ نقد هنر

لیونلو ونتوری

ترجمه‌ی امیر مدنی

مؤسسه‌ی علمی و فرهنگی فضا، ۱۳۸۴

لیونلو ونتوری نخستین ناقد اروپایی است که زمینه نقد - نقدپردازی و سنجش آنچه از فرآورده‌های هنری به افقی استعلایی می‌توان دید و گفت - را از گستره‌ی محدود ناقدان معلم و معلمان ناقدی که از نگریستن به برون پرهیز می‌کردند بیرون برود، بیش از دیگران، به دانش‌هایی توجه داد که ذاتی انتزاعی داشتند و به زبانی روزمره و تجربی به میدان می‌آمدند؛ مانند تاریخ افکار قابل انتقال به جمع، کرونولوژی نظریه‌هایی که در باب اندیشه و هنر و جامعه ساخته و پرداخته و به میان آورده می‌شدند؛ به سبک و سیاق تاریخی و به قید معنایی دیدن نظام‌های فکری‌ای که توقع داشتند که بر تمامی پدیده‌های برآمده و یا گسترده بر حیات اجتماعی عالمیان باشند؛ و یا اعلان داشتن این که هر آنچه حق است منطقی است - و نیز این که هر چه منطقی می‌بایم و می‌دانیم حق است - و جز این‌ها.

مدرنیسم و پست مدرنیسم که از جمله مباحث مورد توجه نویسنده در فصل هفتم کتاب است، به بررسی ویژگی‌های صریح و ضمنی این دو جریان تاریخی، اجتماعی، سیاسی و هنری می‌پردازد. برخی، آغاز نمادین مدرنیسم را انقلاب دانشجویی ۱۹۶۸ پاریس می‌دانند و پست مدرنیسم را جریانی در مقابل مدرنیسم و منتقد صریح و آشفتنی‌ناپذیر آن برمی‌شمارند. مدرنیته براساس محوریت خرد و عقل شکل گرفته است و بر فردیت تأکید می‌ورزد اما پست مدرنیسم برخلاف آن چندان به فرد و خرد روی خوش نشان نمی‌دهد. مدرنیست‌ها به هنر والا، متعالی و مستقل می‌اندیشند و مخالفان آنان به نبوغ فردی، شیئی یگانه و ارزنده، هنر به مثابه‌ی نوآوری به دیده‌ی تردید می‌نگرند. آنچه در پایان فصل از طرح مباحث پیچیده و تودرتو نصیب خواننده می‌شود، این است که حکایت همچنان باقی است! در فصل هشتم و انتهای بارت برای نوشتن و سخن پیرامون عکس‌ها رعایت و توجه به مواردی چند را توصیه می‌نماید؛

از جمله این که آنچه را می‌بینید توصیف کنید. موضوع عکس را بررسی کنید. ارتباط فرم با موضوع را بررسی کنید. بگذارید تفسیرتان نتیجه‌ی تلاش جمعی باشد (در نقد کارگاهی) از قضاوت‌های عجولانه بپرهیزید و محیط‌های ارائه دهنده‌ی عکس را بررسی کنید. وی البته چند نقد را به عنوان شاهد و مثال در این فصل گنجانده است.

و در پایان، مطالعه‌ی این کتاب سودمند و پرمطلب را به علاقه‌مندان توصیه می‌نمایم و البته یادمان نرود در حال حاضر این اثر تنها مرجع معتبر نقد عکس در ایران است که به فارسی ترجمه شده است.

پانویست‌ها:

- ۱- ایشان در جریان برگزاری دو سالانه‌ی عکس تهران، (۱۳۸۳) به ایران سفر و در موزه‌ی هنرهای معاصر به ایراد سخنرانی پرداخت.
- ۲- در اینجا لازم است اشاره شود، چنانچه مترجم محترم در مقدمه‌ی کتاب آورده است، برخی از تصاویر به لحاظ محدودیت‌های چاپ و نشر در ایران از کتاب حاضر حذف و نیز تصاویر چاپ شده از کیفیت بالایی برخوردار نیستند.